

«رافائل گروسی» روز گذشته در آغاز نشست فصلی شورای حکام اعلام کرد

تهران و آژانس در مسیر دستیابی به نتایج مثبت

گزارش

رایزی های فشرده تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مسیر تفاهم قرار دارد. این خبری است که روز گذشته منابع غربی درباره آخرین تحولات دو طرف اعلام کردند و «رافائل گروسی» مدیر کل آژانس نیز در نشست خبری روز گذشته خود در شورای حکام بر آن صحه گذاشت.

نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیروز دوشنبه در وین آغاز شد؛ نشست‌تی که اولین جلسه پس

از تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران بود. این حملات که نقض آشکار حقوق بین‌الملل به شمار می‌رفت با سکوت آژانس مواجه شد و بار دیگر رفتار متناقض این نهاد بین‌المللی نسبت به ایران را برجسته کرد. در چنین فضایی مدیرکل آژانس در نشست خبری خود اعلام کرد که مذاکرات فنی با جمهوری اسلامی ایران در مسیر مثبت پیش می‌رود و ابزار آمیدواری کرد که در آینده نزدیک بتواند به تهران سفر کند. او اعلام کرد: «مذاکرات فنی در جریان است و در حال حرکت به سمت نتایج مثبت هستیم.»

با این حال، گروسی همچنان تلاش کرد

بقایای: اجرای تعهدات پادمانی ایران نمی‌تواند مشابه قبل از جنگ باشد

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز در نشست خبری روز گذشته خود تأکید کرد که آژانس به این درک رسیده که شیوه و نحوه اجرای تعهدات پادمانی ایران نمی‌تواند مشابه دوره پیش از حملات نظامی باشد. او توضیح داد که تعرض به تأسیسات هسته‌ای ایران یک حادثه بی‌سابقه است و هیچ پروتکل یا روش مشخصی برای بازرسی در چنین شرایطی وجود ندارد. بقایی خاطرنشان کرد که دیدگاه‌های ایران در سه دور مذاکرات وین و تهران مطرح شده و روند گفت‌وگوها مثبت بوده است، هرچند هنوز جمع‌بندی نهایی حاصل نشده است. وی افزود که ملاحظات امنیتی و ایمنی تأسیسات، واقعیات میدانی، قانون مصوب مجلس و نظرات شورای عالی امنیت ملی، عناصر اصلی مذاکرات بوده‌اند. او همچنین به برخی اقدامات نامناسب آژانس در شیوه گزارش‌دهی بازرسان اشاره و تأکید کرد که اقدام ایران برای جلوگیری از ورود مجدد بازرسان کاملاً قابل توجیه بوده است.



بقایی:

آژانس به این درک رسیده که شیوه اجرای تعهدات پادمانی ایران نمی‌تواند مشابه دوره پیش از حملات نظامی باشد.

تعرض به تأسیسات هسته‌ای ایران یک حادثه بی‌سابقه است و هیچ پروتکل یا روش مشخصی برای بازرسی در چنین شرایطی وجود ندارد

پیش از حملات نظامی باشد. تعرض به تأسیسات هسته‌ای ایران یک حادثه بی‌سابقه است و هیچ پروتکل یا روش مشخصی برای بازرسی در چنین شرایطی وجود ندارد

حکومیت ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان طفره رفت و مدعی شد این موضوع «در حیطه وظایف مدیرکل آژانس نیست». او با وجود ادعای تمرکز بر مسائل فنی، گفت که احیای بازرسی‌ها می‌تواند به کاهش تهدیدات نظامی علیه ایران منجر شود؛ ادعایی که در عمل نشان می‌دهد ابزار فشار غرب در مسیر امتیازگیری از ایران فعال است.

علاوه بر این، او در پاسخ به پرسشی درباره مکانیزم ماشه تأکید کرد که تصمیم‌گیری در این زمینه به سه کشور اروپایی مربوط است و در حوزه مسئولیت آژانس نیست. مدیرکل آژانس همچنین اعتراف کرد که دسترسی این نهاد بین‌المللی به تأسیسات ایران به دلیل حملات اخیر دشوار شده و آژانس هیچ اطلاعات شفافی از وضعیت ذخایر اورانیوم ایران در اختیار ندارد. او در پایان از امید به ماندن ایران در پیمان ان‌پی‌تی سخن گفت و تأکید کرد که تنها تعهد فنی تهران، اجرای پادمان‌های این معاهده است.

دیوار بلند بی‌اعتمادی ایران نسبت به آژانس

اگرچه گروسی در اظهارات دیروز خود در پاسخ به خبرنگاران گفته بود «سیاست حوزه کاری او نیست» و آژانس صرفاً بر مسائل فنی تمرکز دارد اما واقعیت این است که سکوت چندباره آژانس درباره اقدامات غیرقانونی علیه ایران پرسش‌های جدی درباره ماهیت فنی و رویکرد بی‌طرفی آژانس را در تهران ایجاد کرده است. بی‌اعتمادی ایران به آژانس از زمانی آشکار شد که تأسیسات هسته‌ای ایران در میانه مذاکرات و در خرداد و تیرماه امسال هدف حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت و آژانس رفتار مسئولانه‌ای از خود نشان داد. هرچند روابط ایران و آژانس پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه با چالش‌هایی روبه‌رو بود اما کانال گفت‌وگو همچنان باز بود و تلاش‌ها برای رسیدن به تفاهم فنی ادامه داشت.

با این حال، پس از تجاوز نظامی اخیر، مجلس شورای اسلامی همکاری‌های داوطلبانه با آژانس را به حالت تعلیق درآورد



و همه تصمیمات آینده را منوط به نظر شورای عالی امنیت ملی کرد؛ موضعی که نشان‌دهنده شک جدی تهران به حسن نیت آژانس است. در مقابل، تمرکز یک‌جانبه آژانس بر ازسرگیری بازرسی‌ها و سکوت در برابر حملات، ضرورت تعریف یک «مدالیتنه» یا چهارچوب جدید همکاری را ایجاد کرد؛ چهارچوبی که هم خواسته آژانس برای ثبات و نظارت را پوشش دهد و هم دغدغه‌های امنیتی ایران و مصوبه مجلس را لحاظ کند. اکنون مذاکرات میان هیأت ایران و آژانس نظامی و بر اساس قوانین و ملاحظات امنیتی شده است؛ مدالیتنه‌ای که مسیر تعامل ایران با آژانس را در شرایط پس از حملات امنیتی ایران و مصوبه مجلس را لحاظ کند. اکنون مذاکرات میان هیأت ایران و آژانس نظامی و بر اساس قوانین و ملاحظات امنیتی شده است؛ مدالیتنه‌ای که مسیر تعامل ایران با آژانس را در شرایط پس از حملات امنیتی ایران و مصوبه مجلس را لحاظ کند. اکنون مذاکرات میان هیأت ایران و آژانس نظامی و بر اساس قوانین و ملاحظات امنیتی شده است؛ مدالیتنه‌ای که مسیر تعامل ایران با آژانس را در شرایط پس از حملات امنیتی ایران و مصوبه مجلس را لحاظ کند.



گروسی همچنان تلاش کرد پاسخ‌های خود را در چهارچوب دستورکار از پیش تعیین شده غرب ارائه دهد. نکته‌ای که بیش از همه در سخنان او برجسته بود، تأکید بر لزوم ازسرگیری بازرسی‌ها بود؛ موضوعی که از نگاه تهران نمی‌تواند جدا از شرایطی دیده شود که بر برنامه هسته‌ای ایران تحمیل شده است

مصطفی نجفی، کارشناس مسائل بین‌الملل برای مواجهه با فشارهای

جبهه غربی پیشنهاد داد

استراتژی جامع داخلی، مذاکرات محدود هسته‌ای

طرف مقابل در شرایط فعلی حاضر به دادن امتیاز جدی به ایران نیست

گفت و گو

مریم سالاری- دبیر گروه دیپلماسی/ نامه‌ای از تروئیکای اروپایی به شورای امنیت رسیده است که تهدید به فعال کردن مکانیسم ماشه را روی میز می‌گذارد و تنها ۳۰ روز به تهران فرصت می‌دهد تا تصمیمی سرنوشت‌ساز بگیرد؛ تصمیمی که تحقق آن منوط به رعایت مجموعه‌ای از شرایط است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ازسرگیری مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم با آمریکا اشاره کرد. مصطفی نجفی، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید، اروپایی‌ها در واقع پس از این تحولات، دیوار جدیدی در برابر ایران بنا کرده و در برخی موارد حتی از آمریکا پیشی گرفته‌اند؛ حرکتی که نشان‌دهنده همسویی فزاینده اروپا با سیاست فشار واشنگتن است و قصد دارد جبهه‌ای مشترک برای افزایش فشار بر تهران شکل دهد. به باور او، طرح شرط سوم در مذاکرات هسته‌ای نیز در همین راستا قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد اروپا می‌کوشد از فشارهای بین‌المللی علیه ایران بهره بیشتری ببرد. نجفی همچنین تصویری روشن از این وضعیت ارائه می‌دهد و می‌گوید، ایران امروز در نقطه‌ای تاریخی و حساس ایستاده است که هر تصمیم بی‌تأمل می‌تواند چالش‌هایی را برای کشور دنیابال داشته باشد.



اروپایی‌ها در واقع پس از این تحولات دیوار جدیدی در برابر ایران بنا کرده و در برخی موارد حتی از آمریکا پیشی گرفته‌اند. به نظر می‌رسد طرح شرط سوم در مذاکرات هسته‌ای نیز در راستای همین جهت‌گیری باشد

نیز کشیده می‌شود؛ وضعیتی که می‌تواند ایران را در موقعیتی قرار دهد که فشارها و مطالبات اروپایی‌ها دیگر محدود به برجام و پرونده هسته‌ای نباشد، بلکه ابعدای گسترده‌تر و پیچیده‌تر پیدا کند.

بنابراین، هم ایران نسبت به فعال شدن مکانیسم «اسنپ‌بک» اطمینان دارد و هم اروپایی‌ها با هماهنگی آمریکا اراده لازم برای عملیاتی کردن آن را نشان داده‌اند. هدف آنها این است، چنین ادراکی ایجاد شود که می‌توان طرف یک ماه با اعمال فشار شدید امتیازات موردنظر را از ایران گرفت و در صورت لزوم این فشار را تا شش ماه نیز تمدید کرد. با این حال، «جماقی هسته‌ای» صرفاً یک ابزار فشار نیست. نگاه کلی و بلندمدت غرب بر این اساس شکل گرفته که پرونده هسته‌ای ایران همچنان باید به عنوان ابزاری برای فشار و مهار تهران باقی بماند. فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک دقیقاً بخشی از همین رویکرد است؛ به بیان دیگر، برنامه هسته‌ای ایران نه به یک پرونده عادی یا «آبی» تبدیل خواهد شد و نه صرفاً به عنوان موضوعی موقت در نظر گرفته می‌شود، بلکه به‌عنوان ابزاری راهبردی و «جماقی» همواره باقی سراسر ایران حفظ خواهد شد. با وجود تمام این مباحث، اروپایی‌ها همچنان احتمال توافق بر سر تمدید مکانیسم «اسنپ‌بک» را بررسی می‌کنند و این تمدید می‌تواند فضای مثبت جدیدی برای مذاکرات بعدی ایجاد کند. با این حال، نباید بیش از حد خوشبین بود و باید واقع‌بینانه به نتایج احتمالی نگاه کرد.

با توجه به ایجاد بین‌بست کنونی، برخی چهره‌های سیاسی معتقدند هنوز فرصت مذاکره وجود دارد. سؤال این است که آیا واقعاً بحث صرفاً فرصت مذاکره است یا این وضعیت فرصتی برای ایران ایجاد می‌کند

تا ابانتکاری مبتنی بر تقویت دستورکار خود وارد مذاکره شود؟ به عبارت دیگر آیا باید تحت توافقی که «توافقی جامع» می‌نامند؟ بله؛ چنین نگرشی به راحتی از حوزه هسته‌ای فراتر می‌رود و به مسائل موشکی و منطقه‌ای

انتظار داشت این بین‌بست ادامه یابد، زیرا ایران نمی‌خواهد به گفت‌وگوی طرف مقابل تن دهد، یا اینکه ضرورت بازتعریف دستورکار مذاکره‌ای درک و بررسی شده و روی آن فکر شده است؟

تحولات اخیر، بویژه جنگ ۱۲ روزه، متغیری تعیین‌کننده است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در سوی دیگر ماجرا، غرب، آمریکا و اسرائیل - همان مجموعه‌ای که در برابر ایران قرار دارند - پرونده ایران را صرفاً به موضوع هسته‌ای محدود نمی‌دانند و براین باورند که همه مسائل مرتبط با ایران باید وارد دستورکار مذاکرات شود. در این شرایط، ایران قادر است در حوزه هسته‌ای بیشترین میزان انعطاف را نشان دهد و حتی فراتر از توافقات برجای همگاری کند.

با این حال، همان‌طور که ترامپ پس از جنگ تأکید کرد، این امکان وجود دارد که آنها اساساً نیازی به مذاکره با ایران احساس نکنند و تصورشان این باشد که راهبرد فشار و اجبار می‌تواند اهدافشان را محقق سازد. از همین رو، هر مذاکره جدیدی نیز باید در چهارچوب همین نگاه جامع شکل گیرد.

مسئله اصلی این است که آیا ایران در شرایط کنونی، با وجود سایه تهدید نظامی بر فراز کشور، آمادگی ورود به مذاکرات جامع را دارد؟

با توجه به موقعیت فعلی و ادراکی که طرف مقابل از ایران دارد، به نظر می‌رسد مذاکرات جامع چندان نتواند منافع ایران را تأمین کند. در مقابل، تمرکز بر مذاکرات محدود اما حداکثری در حوزه هسته‌ای می‌تواند مطلوب‌تر باشد. با این همه، طرف مقابل در وضعیت کنونی تمایلی ندارد مذاکرات را صرفاً به موضوع هسته‌ای محدود کند و همچنان برگسترش دامنه آن اصرار می‌ورزد.

نظر شهاد درباره دیپلماسی اجبار که به نظر می‌رسد بر اساس تصور نابرابری قدرت شکل گرفته است، چیست؟

ما در یک دوره چند دهه‌ای توانستیم به خوبی مسئله نابرابری قدرت را درک کنیم

از مسیر مذاکرات سیاسی خارج شد، آن هم به شرطی که ایران حاضر باشد امتیازات حداکثری بدهد؛ اما حتی در این صورت هم تضمینی وجود ندارد که این امتیازات حداکثری بتواند دست‌کم به امتیازات حداقلی منجر شود. شواهد نشان می‌دهد طرف مقابل در چنین شرایطی تمایلی به ارائه امتیازات جدی به ایران ندارد، بویژه در حوزه رفح تحریم‌ها. نمونه روشن این مسأله به دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ بازمی‌گردد؛ جایی این بود که باید همه چیز از سوی ایران واگذار شود تا توافقی شکل بگیرد، در مقابل تنها تضمین ترامپ این بود که ایران بمباران ادامه دهد. در همان پنج دور مذاکره، با این حال برخی پیام‌ها از سوی طرف آمریکایی به عراقی ارسال شد که نشان می‌داد واشنگتن اساده پذیرش برخی موضوعات فنی مانند غنی‌سازی ۳/۴ درصدی و راکتور تهران است و حتی تشکیل کنسرسیومی خارج از خاک ایران را پیشنهاد کرده بود.

طبق برنامه قرار بود یک توافق اصولی و کلی در ششمین دور مذاکره نهایی شود که شامل رفع تحریم‌ها و مسائل فنی ایران بود و تهران نیز آمادگی داشت امتیازات بیشتری بدهد، اما حمله‌ای که روز جمعه ۲۳ خرداد رخ داد تمام برنامه‌ها را برهم زد. از این رو تجربه مذاکرات در دوره ترامپ نشان داد که حتی زمانی که ایران آماده بود امتیازاتی فراتر از برجام ارائه دهد، طرف مقابل می‌خواست امتیازات بیشتری از تهران بگیرد.

در شرایط کنونی برای فهم نیت واقعی طرف مقابل، مذاکره تا چه اندازه کارگشاست؟

گفت‌وگو به‌طور مستقیم با شخص ترامپ و حلقه نزدیک به او می‌تواند تصویر روشن‌تری از وضعیت ارائه دهد و امکان محاسبه دقیق‌تری درباره نیت واقعی طرف مقابل فراهم کند. البته احتمال دارد این مذاکرات مستقیم نیز به نتیجه نرسد و آمریکا همچنان بر مواضع حداکثری خود پافشاری کند اما واقعیت این است که در عرصه مذاکره انتخاب میان مسیر مستقیم یا غیرمستقیم تصمیمی حیاتی است. به باور من مذاکره غیرمستقیم با ترامپ هیچ دستاوردی نخواهد داشت و قادر به ایجاد پیشرفت نیست. بنابراین اگر قرار است مذاکره‌ای صورت بگیرد، باید حتماً به‌طور مستقیم انجام شود.

بحثی درباره انتقال پرونده هسته‌ای از وزارت خارجه به شورای عالی امنیت ملی مطرح شده است؛ دلیل طرح این موضوع چیست و چه پیامدها و اهدافی پشت این تصمیم احتمالی در مدیریت پرونده هسته‌ای قرار دارد؟

خود آقای لاریجانی می‌خواهند که پرونده به شورای عالی امنیت ملی منتقل نشود تا مسائل حل و فصل شود. بسیاری از تصمیمات مهم تاکنون اتخاذ شده است، اما نحوه اجرایی شدن این تصمیمات به توانایی آقای لاریجانی در اجماع‌سازی و تعامل با طرف‌های مختلف بستگی دارد. در این میان، طرف مقابل نیز نقش دارد و باید دید تا چه حد حاضر است امتیاز دهد و دلایل آن چیست.

در همین راستا بحث عادی‌سازی رابطه میان ایران و آمریکا یکی از موضوعاتی است که برای ترامپ اهمیت زیادی دارد و می‌تواند یک برد سیاسی بزرگ در سیاست داخلی او باشد. این موضوع می‌تواند به عنوان یکی از پیشنهادهای مهم ایران مطرح شود تا فضای مذاکرات را تغییر دهد. با این حال، تحقق این پیشنهاد نیازمند آمادگی داخلی است. اگر آمادگی‌های داخلی شکل بگیرد و چندصدایی گسترده در فضای اجتماعی و غیرسیاستی سیستم حکمرانی ادامه داشته باشد، این بی‌تضمینی و اختلاف دیدگاه‌ها می‌تواند اجرای چنین پیشنهادهایی را با چالش مواجه کند.

در چنین فضایی نهادهای جریان‌های تأثیرگذار در نظام تصمیم‌گیری کشور پس از جنگ ۱۲ روزه به چه برآوردی درباره ضرورت‌های مذاکره‌ای و میدانی رسیده‌اند؟

شرایط به گونه‌ای است که هر لحظه می‌تواند بحران تازه‌ای شکل بگیرد، بویژه آنکه طرف مقابل تلاش می‌کند در داخل ایران شکاف‌های میان مردم و حاکمیت را ایجاد کند. واقعیت این است که چانه‌زنی در داخل کشور مقدمه‌ای برای چانه‌زنی در عرصه بین‌المللی است.

شرط موفقیت در این مسیر آن است که تصمیم‌سازان مشاوره‌هایی درست، واقع‌بینانه و متناسب با شرایط واقعی کشور به نظام تصمیم‌گیری ارائه دهند. به نظر می‌رسد آقای لاریجانی در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی بتواند این خلأ را پر کرده و نقشی مؤثر ایفا کند.



هم ایران نسبت به فعال شدن مکانیسم «اسنپ‌بک» اطمینان دارد و هم اروپایی‌ها با هماهنگی آمریکا اراده لازم برای عملیاتی کردن آن را نشان داده‌اند. به نظر آنها این است، چنین ادراکی ایجاد شود که می‌توان ظرف یک ماه با اعمال فشار شدید امتیازات موردنظر را از ایران گرفت و در صورت لزوم این فشار را تا شش ماه نیز تمدید کرد